

موج تازه تحمیل سزای اعدام علیه فعالان سیاسی از سوی رژیم ایران



طی یک هفته گذشته حدود ۸ زندانی سیاسی به اعدام محکوم شده‌اند؛ همچنین حکم اعدام چهار زندانی سیاسی بلوچ در حال اجرا است. سازمان و فعالان حقوق بشری می‌گویند هزینه سیاسی حداقلی اعدامها برای رژیم ایران علت آن است. رژیم ایران هر گاه تحت فشار بوده است برای ایجاد رعب و وحشت در بین مردم به خشونت‌های خود شدت بخشیده است. رژیم ایران طی ماه گذشته (ماه اکتبر) حداقل ۱۶۱ زندانی که دو برابر ماه گذشته بوده است؛ اعدام نموده است و همچنین شمار اعدامها در ماه نوامبر نیز نسبت به ماه گذشته دو برابر افزایش داشته است.

سرانجام رژیم جمهوری اسلامی ایران در چندراهی سرنوشت‌ساز:

پایان هر انتخاب رژیم ایران باخت و فروپاشی است



مصطفی هجری:

با انتصاب یک کورد به معاونت رئیس جمهور وفاق ملی ایجاد خواهد شد

قانون و دیگران دارای چنان اتوریته‌ای نیستند که حتی اگر هم بخواهند، بتوانند بازنگری و گشایشی صورت دهند و در رابطه با پیامدهای دوباره روی کار آمدن ترامپ بر روی کار و تأثیرات آن در آینده بر این نکته تأکید کرد: " مردم ایران خارج از این اگر و نگرها باید با اتکا به همبستگی و مقاومت و نیروی خویش، خود را نیرومند ساخته و از مبارزه باز نایستند و به هیچ نیروی خارجی دل نبندند که آنها را نجات دهد

کورد بعنوان معاون رئیس جمهوری را بر نویه‌ی خود امر مثبتی می‌دانم، اما نه بعنوان گشایشی بسوی آزادی و پیشرفت در ایران. زیرا گشایش سیاسی تعریف دیگری دارد که به توضیح و بحث بیشتری نیاز دارد

در جمهوری اسلامی ایران که نظام آن در حاکمیت ولایت فقیه شکل گرفته‌است، این دستگاه هژمونی خود را بر تمام نهادهای حکومتی تحمیل کرده و دولت و

رژیم علیه مردم و گسترش اعدامها برای ارباب مردم اعتراضات ادامه دارد. مردم از خواسته‌های خود کوتاه نیامده و خواهان جنگ هم نیستند، اما از تضعیف و درهم شکستن نیروهای نیابتی رژیم خوشحال هستند

ایشان در رابطه با کارنامه چهار ماهه مسعود پزشکیان رئیس جمهور رژیم ایران و مانور تبلیغاتی وی تحت عنوان "وفاق ملی" اعلام کرد: " انتخاب یک



مصطفی هجری، مسئول کل مرکز اجرایی حزب دمکرات کردستان ایران در مصاحبه‌ای با "کردستان" اعلام نمود که علیرغم خشونت

مصطفی هجری:

مردم ایران باید از مبارزه باز نایستاده و در پی منجی خارجی نباشند

مصاحبه: علی بداعی

رونق و رکود ناهمگن جهانی

حسن قهرمانی

۳

شاهو حسینی:

تاریخ‌نگاری فارسی در ایران با هدف تثبیت هژمونی، سلطه و اقتدار بر دیگر ملیتهای ایران شکل گرفته است

مصاحبه: شهرام سبحانی

۴

کوتاه قامتی با آتش عقبه فراوان

ایوب شهبابی راد

۶

سرکوب زنان و به ویژه زنان کورد در ایران

مانیا کاکه‌مه‌می

۸

مصطفی هجری:

مردم ایران باید از مبارزه باز نایستاده و در پی منجی خارجی نباشند

گفتگو: علی بدای

اشاره: روند سریع رویدادها در خاورمیانه درهای احتمالات بسیار و شرایط و تحولات جدیدی را به روی منطقه گشوده است. تأثیرات تعمیق بحرانهای موجود در مناسبات میان ایران و جامعه جهانی، آنهم در سایه احتمال گسترش جنگ مستقیم میان جمهوری اسلامی و اسرائیل می‌تواند هم تهدید و هم فرصتی برای جنبش اعتراضی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی بشمار آید.

"کوردستان" در مصاحبه‌ای با آقای مصطفی هجری، مسئول مرکز اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران از این تحولات و تأثیر رویدادها بر مبارزه‌ی حقیقت‌طلبانه‌ی خلقهای ایران سخن گفت.

کاک مصطفی اگر بخواهیم با تحلیل کلی جنابعالی در خصوص شرایط سیاسی فعلی ایران، آنهم با توجه به بحران سیاسی و مناسبات جمهوری اسلامی با جامعه جهانی گفتگوی خود را آغاز کنیم؛ خوانش شما در مورد شرایط سیاسی فعلی ایران چیست؟

وضعیت فعلی ایران از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و گسترش شکاف میان حکومت و مردم ادامه‌ی شرایطی است که از همان سالهای ابتدای پس از برسرکار آمدن جمهوری اسلامی آغاز شده و هر روز ابعاد گسترده‌تری بخود گرفته تا به مرحله‌ی فعلی رسیده است. به روز این شرایط نیز با ادامه‌ی سیاست و برنامه‌هایی که رژیم در داخل کشور، منطقه و جهان در پیش گرفته، امر قابل انتظاری بود و غیر از نتیجه‌ی فعلی، چیز دیگری برای آن قابل تصور نبود. رویدادی که عمق این درماندگی و فاجعه‌آفرینی جمهوری اسلامی را تعمیق بخشیده و عیانتر ساخت، پیامدهای حمله‌ی حماس به اسرائیل بود که در روز هفتم اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شد. به اعتقاد من پیش از آغاز این جنگ اسرائیل از این واقعیت اطلاع داشت که از لحاظ توان نظامی هوایی از ایران نیرومندتر است، اما در ادامه‌ی این جنگ، بویژه پس از حمله‌ی هوایی اسرائیل به ایران در روز ۲۶ اکتبر ۲۰۲۴، اسرائیل دریافت که جمهوری اسلامی در این زمینه بسیار ضعیفتر از آن چیزی است که اسرائیل تصور می‌کرد.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی با اتکاء و امید به توان مقاومت حماس و بویژه حزب‌الله معتقد بود که این دو نیرو دژ مقاوم بی‌چون و چرای حکومت هستند، لیکن این جنگ و بویژه کشته شدن اسماعیل هنیه در تهران و حسن نصرالله در لبنان و دهها عضو رهبری و فرماندهان نظامی این گروهها، چیرگی اسرائیل در زمینه‌ی نبرد هوایی و سایبری را بیش از پیش بر جهانیان و بویژه جمهوری اسلامی عیان ساخت. البته نباید موضع متفاوت اینبار کشورهای عربی و اسلامی منطقه مبنی بر نوعی بی‌تفاوتی در قبال حماس و حزب‌الله که می‌توان آنرا اگر نگوئیم ضدیت با رژیم جمهوری

اسلامی ایران، بلکه تضعیف پایگاه این رژیم در منطقه بشمار آورد را فراموش کنیم. در سطح بی‌المللی نیز البته جمهوری اسلامی در یک انزدام سیاسی و اقتصادی سختی بسر می‌برد. اما آنچه که از همه مهمتر بنظر می‌رسد، ضعف رژیم و بی‌بازاری بیشتر از رژیم در داخل کشور است و با هر معیاری که بخواهیم آنرا بسنجیم، به این نتیجه می‌رسیم که اکثریت مردم کشور جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند.

با توجه به گفته‌های خامنه‌ای و فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی، احتمال موج دیگری از حمله‌ی مستقیم جمهوری اسلامی به اسرائیل وجود دارد. در صورت این حمله و تداوم این شرایط، بنظر شما روند رویدادها در چه سویی پیش خواهد رفت؟

در صورتی که جمهوری اسلامی حمله‌ی مستقیم دیگری آنهم از خاک ایران به اسرائیل انجام دهد، فرصت بهتری فراهم خواهد آمد تا این کشور حمله‌ی دیگری علیه جمهوری اسلامی صورت دهد که سطح تخریب آن بسیار بیشتر از حمله‌ی قبل باشد و اینبار مناطق حساس را هدف قرار دهد، زیرا بدنیا انتخاب ترامپ، دست اسرائیل برای چنین حمله‌ای بازر است. تداوم این تشنج نیز بیشتر بزبان ایران تمام خواهد شد و در چنین شرایطی خطر گسترش جنگ نیز امر قابل انتظاری است و بنظر نمی‌رسد که مقامات رژیم این شرایط را حس نکرده باشند و بخواهند به شیوه‌ای عجولانه حمله‌ی دیگری به اسرائیل انجام دهند. به همین دلیل من پیش‌بینی نمی‌کنم رویارویی نظامی شدید و همه‌جانبه‌ای بوقوع بپیوندد.

اوضاع سیاسی و امنیتی و نظامی فعلی چه تأثیرات مثبت یا منفی بر جنبش اعتراضی مردم در ایران برجای گذارده است؟

در شرایط سیاسی - امنیتی فعلی که درگیری‌ها بطور کلی بزبان جمهوری اسلامی رقم خورده است، علیرغم شدت عمل بیشتر رژیم علیه مردم و افزایش اعدامها به منظور زهرچشم گرفتن از مردم، اعتراضات علیه حاکمیت کماکان ادامه دارد. ما می‌بینیم که مردم از حقوق و مطالبات خویش دست نکشیده‌اند و علیرغم آنکه خواستار جنگ نیستند، اما از تضعیف رژیم و شکست نیروهای نیابتی‌اش خوشحال هستند. مردم از کوچکترین فرصت برای ابراز نارضایتی و بی‌بازاری خود از رژیم استفاده می‌کنند و وحدت صفوف و اتحاد بیشتری در میان خلقهای ایران احساس می‌شود. بطور کلی بر خواسته‌های خویش مصرتر گشته‌اند، بویژه که مردم از شکستهای رژیم چه در جنگهای مستقیم این دو طرف و چه شکست نیروهای نیابتی‌اش ابراز خویشحالی می‌کنند و همین امر رژیم را بیش از پیش در داخل

و خارج از کشور به حاشیه رانده است. بدین ترتیب می‌توان گفت که علیرغم نگرانی مردم از آینده‌ی زندگی و معیشت خود، امیدوارتر بوده و از مبارزه دست نکشیده‌اند.

بیش از یکصد روز از عمر دولت مسعود پزشکیان گذشت و می‌توان این یکصد روز را معیاری برای اقدامات دولت تصور کرد. در این خصوص چه نظری در مورد کارنامه‌ی دولت پزشکیان دارید؟ همچنین ارزیابی‌تان در مورد برخی تحركات سیاسی پزشکیان چیست، بعنوان نمونه اینکه برای نخستین بار یک کورد را بعنوان یکی از معاونان خود برگزیده است، آیا این امر می‌تواند به گشایش سیاسی در جمهوری اسلامی تعبیر شود؟

بطور کلی صد روز نخست آغاز بکار رؤسای جمهور معیاری خواهد بود برای روزهای آینده‌ی ریاست آنها. اما من شخصا دیری است که بر این نتیجه رسیده‌ام که در ایران یک سیستم سفت و سخت غیر قابل تغییر و دگم و دینامیزم خصوصی در اداره‌ی سیاست داخلی خارجی کشور اعمال می‌گردد که تحت مدیریت رهبر کلی یعنی ولی فقیه است و رئیس جمهور نیز نظیر دیگر بخشها در چارچوب سیاستها و تصمیماتی که از بیت رهبری صادر می‌گردند انجام وظیفه می‌کنند، در حال حاضر کشورهای اروپایی و آمریکا و حتی کلیه کشورهای منطقه نیز همین نظر و ارزیابی را دارند. بعنوان نمونه در سالهای اخیر بسیاری اوقات از مقامات بلندپایه‌ی این کشورها شنیده‌ایم که گفته‌اند ما بر روی عملکردهای جمهوری اسلامی حساب می‌کنیم، نه شعارهایشان.

در رابطه با بخش دوم سؤالتان: البته انتخاب یک کورد بعنوان معاون رئیس جمهوری را بر نوبه‌ی خود امر مثبتی می‌دانم، اما نه بعنوان گشایشی بسوی آزادی و پیشرفت در ایران. زیرا گشایش سیاسی تعریف دیگری دارد که به توضیح و بحث بیشتری نیاز دارد. در جمهوری اسلامی ایران که نظام آن در حاکمیت ولایت فقیه شکل گرفته است، این دستگاه هژمونی خود را بر تمام نهادهای حکومتی تحمیل کرده و دولت و قانون و دیگران دارای چنان

اتوریت‌های نیستند که حتی اگر هم بخواهند، بتوانند بازنگری و گشایشی صورت دهند.

در چارچوب همین بحث و بمنظور جمع‌بندی این موضوع؛ پزشکیان دولت خود را دولت "وفاق ملی" یعنی اتحاد و همبستگی همه جانبه‌ی همه‌ی ایرانیان نام نهاده است. ارزیابی شما در این خصوص چیست؟

این امر هم که پزشکیان دولت خود را "دولت وفاق" معرفی می‌کند، چیز بی‌محتوایی است. در ایران رسم است که هر دولتی، نامی برایش انتخاب می‌شود نظیر "دولت سازندگی" یا "دولت وفاق" و تنها بدلیل آنکه یکی از معاونان رئیس جمهوری کورد و دیگری بلوچ و ... باشد، آن دولت، دولت وفاق نخواهد شد. در حالیکه در قانون اساسی دولت بر مبنای شریعت اسلامی ولایت فقیهی عمل می‌کند و تنها یک زبان به رسمیت شناخته شده، سخن گفتن از دولت وفاق ملی بیشتر به یخ کباب شده می‌ماند! وفاق و تفاهمی هم که پزشکیان از آن دم می‌زند، تا آنجا که نشان داده است هیچ ارتباطی با جامعه و مردم ندارد. وی از تفاهم میان جناحها و طیفهای سهیم در رژیم سخن می‌گوید که همانطور که گفتیم هیچ ارتباطی با مردم ندارد. هرچند با شکافهای فکری و ایدئولوژیک و مصلحت جویی‌هایی که میان جبهه‌های گوناگون رژیم ایجاد شده است، عملاً بنظر نمی‌رسد که دولت پزشکیان حتی در ایجاد این وفاق نیز کاری از دستش ساخته باشد.

موضوع روز دیگر بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید است. در این مورد تحلیل و ارزیابی‌های گوناگونی مطرح می‌شود. بنظر شما اداره‌ی جدید آمریکا در خصوص ایران شرایطی فراهم خواهد ساخت که بر مبارزه‌ی سراسری مردم ایران علیه جمهوری اسلامی تأثیر بگذارد؟

دونالد ترامپ شخصیت غیرقابل پیش‌بینی و پراگماتیکی است، به همین دلیل مشکل است که از هم اکنون بروشنی بگوئیم که در مورد ایران چگونه برنامه‌ریزی خواهد کرد؛ اما

طبق عملکردش در مدت ریاست جمهوری دوره‌ی گذشته و شخصیت‌های حکومتی مهمی که تاکنون تعیین کرده است و از سوی دیگر شیوه‌ی برخوردش با جمهوری اسلامی در دوره‌ی پیشین، تلاش خواهد کرد بمنظور تحمیل شروط خود بر جمهوری اسلامی، این رژیم را تحت فشار همه‌جانبه‌ای قرار دهد، نتیجه‌ی این فشار می‌تواند به تضعیف بیشتر جمهوری اسلامی منجر شده و زمینه‌ی مناسب‌تری برای گسترش اعتراضات مردمی در داخل کشور و کار و فعالیت فزونیتر آزادیخواهان فراهم سازد. اما مردم ایران خارج از این اگر و نگرها باید با اتکا به همبستگی و مقاومت و نیروی خویش، خود را نیرومند ساخته و از مبارزه باز نایستند و به هیچ نیروی خارجی دل نبندند که آنها را نجات دهد.

به عنوان آخرین سؤال و جمع‌بندی بحث‌مان، احتمالاتی که در مقابل کورد و اپوزیسیون جمهوری اسلامی قرار دارند و وظائف و ضرورت‌هایی که باید مهم شمرده شوند، کدامها هستند؟ آنچه که تا کنون در خارج از کشور بعنوان اپوزیسیون جمهوری اسلامی شناخته می‌شود، بسیار ضعیفتر و پراکنده‌تر از آن است که بتواند از اوضاع پیش‌آمده بسود مردم بهره‌گیرد. به همین دلیل هنگامیکه از اپوزیسیون سخن می‌گوئیم منظور اپوزیسیون داخلی است که باید خود را سازمان دهد. بدین منظور پیش از هرچیز باید مردم داخل کشور اعم از کلیه‌ی تشکلهای نیرو و پتانسیل خود حساب کنند. ما نیروهای سیاسی نیز در خصوص موضوع آترناتیوسازی باید دیدگاه و انرژی‌مان عمدتاً متوجه داخل کشور باشد. درست است که کار ساده‌ای نیست، اما باید برای آن تلاش کرد.

کاک مصطفی سپاسگذاریم که برای این مصاحبه وقت گذارید. شما نیز خسته نباشید.

رونق و رکود ناهمگن جهانی



حسن قهرمانی

ابعاد مختلف رکود اقتصادی: چرا کشورها به طور متفاوتی تحت تأثیر قرار می گیرند؟

رکود اقتصادی می تواند ناشی از عوامل جهانی یا محلی باشد، مانند تقاضای کم برای محصولات صادراتی، سطوح بالای بدهی. اما چرا برخی کشورها و مناطق ضعیف تر از سایرین هستند؟

چرخه های اقتصادی و علل آن:

چرخه های اقتصادی در چرخه های مختلف با رونق و رکود متناوب بر رشد جهان تأثیر می گذارند. در طول رکود اقتصادی، تقاضای جهانی برای کالاها و خدمات کاهش می یابد که بر کشورهای دارای اقتصاد وابسته به صادرات مانند برزیل و روسیه تأثیر می گذارد. در مقابل، کشورهای با اقتصادهای متنوع تر، مانند آلمان یا ایالات متحده، انعطاف پذیرتر هستند زیرا می توانند بر بخش های بیشتری تکیه کنند.

کشورهایی با تاب آوری متفاوت:

کشورهای دارای بخش صادرات قوی در معرض تقاضای جهانی قرار دارند و عمیقاً تحت تأثیر رکود قرار دارند. در عین حال، کشورهایی که سهم زیادی از مصرف داخلی دارند، مانند هند و ایالات متحده، اغلب در دوران رکود اقتصادی جهانی انعطاف پذیرتر هستند. تنوع بخشی در بخش ها می تواند اثرات رکود اقتصادی را کاهش دهد و کشورها را قادر به بهبود سریع تر کند.

نمونه های کشورها:

اروپا، آمریکا، آسیا و آفریقا به طور متفاوتی تحت تأثیر رکود قرار دارند. کشورهای اروپایی با سیاست های رفاهی قوی، مانند سوئد، اغلب با رکود اقتصادی بهتر از کشورهایی که سیستم های اجتماعی گسترده تری دارند، کنار می آیند. در آمریکای لاتین، اتکا به صادرات، کشورهایی مانند ونزوئلا و برزیل را به ویژه در برابر تورم آسیب پذیر کرده است و آسیب پذیری آنها را در برابر رکود افزایش داده است.

عوامل موثر در تاب آوری اقتصادی:

سیاست های مالی و پولی:

سیاست اقتصادی نقش مهمی در مبارزه با رکود دارد. کشورهایی با سیاست های قوی بانک مرکزی و توانایی تحریک اقتصاد از طریق نرخ های بهره پایین و مخارج دولتی می توانند اثرات رکود را کاهش دهند. به عنوان مثال، کشورهایی مانند ایالات متحده و ژاپن با استفاده از اقدامات سیاست مالی گسترده در مقابله با بدترین اثرات رکود موفق بوده اند.

شبکه امنیت اجتماعی:

یک شبکه ایمنی اجتماعی قوی از مردم در برابر بدترین اثرات بحران اقتصادی محافظت می کند. در اسکانديناوی، سیستم های رفاهی گسترده، انعطاف پذیری اقتصادی قوی تری ایجاد کرده اند که باعث کاهش ناآرامی های اجتماعی و نابرابری اقتصادی در دوران رکود شده است.

نوع اقتصادی:

کشورهایی که اقتصاد خود را متنوع کرده اند، مانند کره جنوبی و شیلی، برای مقابله با رکود مجهزتر هستند. کره جنوبی یک بخش فناوری ایجاد کرده است که یکی از رقابتی ترین بخش ها در جهان است، در حالی که شیلی با سرمایه گذاری در انرژی های تجدیدپذیر و صادرات کشاورزی وابستگی خود به مس را کاهش داده است.

نابرابری جهانی و پیامدهای آن در دوران رکود:

شکاف های رو به رشد بین مناطق در حال سکون به نابرابری های از قبل موجود منجر می شود. برای کشورهای کم درآمد، رکود اقتصادی می تواند به معنای سال های رکود باشد.

ثبات اجتماعی و ناآرامی سیاسی:

افزایش نابرابری اقتصادی می تواند به ناآرامی اجتماعی منجر شود که اغلب خود را در اعتراضات و مطالبات برای اصلاحات سیاسی نشان می دهد. در خاورمیانه، نرخ بالای بیکاری جوانان و رشد اقتصادی پایین به چندین ناآرامی سیاسی کمک کرده است.

مهاجرت:

هنگامی که اقتصادها رکود را تجربه می کنند، اغلب شاهد افزایش مهاجرت هستند. نیروی کار از مناطق آسیب پذیر به دنبال کشورهایی با شرایط اقتصادی بهتر است که هم بر کشورهای مبدأ از طریق «فرار مغزها» و هم افزایش فشار بر کشورهای دریافت کننده تأثیر می گذارد.

مزایا و چالش های یکپارچگی مالی. زنجیره های تامین جهانی:

جهانی شدن منجر به یکپارچگی اقتصادی شده است، اما در عین حال کشورهای در حال توسعه را به کشورهای بزرگ صنعتی وابسته کرده است. کشورهای وابسته به زنجیره های عرضه جهانی پیامدهای اقتصادی را در دوره های رکود، زمانی که تقاضای صادرات کاهش یافته است، احساس کرده اند.

وابستگی و آسیب پذیری:

وابستگی ها همچنین برای اقتصادهایی

نتیجه:

نابرابری اقتصادی جهانی یک مشکل پیچیده است که منعکس کننده تفاوت در توزیع منابع، توسعه فناوری، ساختارهای اجتماعی و توانایی مقابله با بحران های اقتصادی است. این نابرابری با جهانی شدن تقویت شده است، که از یک سو فرصت هایی را برای بسیاری از مناطق برای ادغام در اقتصاد جهانی باز کرده است، اما در عین حال شرایط جدیدی از وابستگی و افزایش آسیب پذیری را در صورت رکود جهانی ایجاد کرده است. همه گیری اخیر این تفاوت ها را بیشتر برجسته می کند و دسترسی به منابع و فناوری های مختلف بر توانایی کشورها برای بهبودی تأثیر می گذارد.

برای ایجاد یک اقتصاد جهانی باثبات تر و فراگیر، اقدامات متعددی لازم است. سرمایه گذاری استراتژیک در آموزش و فناوری می تواند تاب آوری اقتصادی را تقویت کرده و به توزیع عادلانه تر ثروت جهانی منجر شود. تمرکز بر اقتصاد پایدار و سبز همچنین می تواند به کشورها کمک کند تا اتکای خود را به کالاها کاهش دهند که به نوبه خود انعطاف پذیری در برابر نوسانات بازار جهانی را افزایش می دهد. علاوه بر این، توافق نامه های تجاری منطقه ای و دوجانبه می توانند ثبات بیشتری را با ارتقای تجارت و یکپارچگی اقتصادی در داخل مناطق ایجاد کنند و حساسیت به شوک های خارجی را کاهش دهند.

همکاری بین المللی برای رویارویی با چالش های رفاه نابرابر و رکود ضروری است. از طریق افزایش حمایت از سازمان های بین المللی مانند صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، کشورهای آسیب پذیر می توانند برای مقابله با بحران های اقتصادی و بهبود شبکه امنیت اجتماعی خود کمک دریافت کنند.

یک اقتصاد جهانی فراگیر نیازمند همبستگی، نوآوری و پایداری بلندمدت است. اگر ملت ها و سازمان ها روی این موضوعات با یکدیگر همکاری کنند، جهان می تواند به سمت آینده اقتصادی عادلانه تری حرکت کند که در آن افراد کمتری از اثرات منفی رکود و رکود متحمل شوند.

که به شدت به بازارهای جهانی وابسته هستند آسیب پذیری ایجاد می کند. در طول همه گیری، دیدیم که چگونه اتکا به دستگاه های پزشکی مشکلاتی را برای بسیاری از کشورهایی که به واردات از چین و هند متکی بودند، ایجاد کرد.

قراردادهای تجاری منطقه ای و دوجانبه:

با این حال، یکپارچگی اقتصادی منطقه ای می تواند تاب آوری در برابر رکود جهانی را تقویت کند. به عنوان مثال، قراردادهای تجاری مانند اتحادیه اروپا می تواند بازار محلی با افزایش تجارت در منطقه، قابلیت اطمینان و ثبات را ایجاد می کند.

اثرات همه گیری جهانی: نمونه معاصر رفاه نابرابر

اپیدمی و نابرابری اقتصادی:

این بیماری همه گیر باعث تعمیق اختلافات اقتصادی بین کشورها و درون کشورها شده است. کشورهای ثروتمند با سیستم مراقبت بهداشتی و منابع مالی پایدار سریعتر از کشورهای با منابع محدود بهبود یافتند.

بازبایی و دیجیتالی شدن:

کشورهایی که توانسته اند به مدل های کسب و کار دیجیتالی روی بیاورند، در طول همه گیری بهبود یافته اند. دیجیتالی شدن عامل مهمی در انعطاف پذیری اقتصادی و بهبود سریع تر است.

دسترسی به واکسن و بهبود اقتصادی

در دسترس بودن واکسن ها بر بهبود اقتصاد در سراسر جهان تأثیر گذاشته است. کشورهایی که به واکسن ها دسترسی داشتند توانستند به سرعت به زندگی اقتصادی عادی تری بازگردند، در حالی که کشورهای بدون دسترسی مشابه، رکود پایدار را تجربه کردند.

توصیه های سیاستی برای اقتصاد جهانی پایدارتر و فراگیرتر.

سرمایه گذاری در آموزش و فناوری
سرمایه گذاری در آموزش و فناوری
بسیار مهم است.

تاریخ‌نگاری فارسی در ایران در راستا و با هدف تثبیت هژمونی، سلطه و اقتدار خود بر دیگر ملیتهای ایران شکل گرفته است



● مصاحبه: شهرام سبحانی

اشاره: تاریخ آینده برای ساخت یک ملت محسوب میشود که حاوی تمام رویدادهای سیاسی، اجتماعی و ... است. این آینده را میتوان از دو زاویه مورد بررسی قرار داد، یکی اینکه پنجره‌ی را بسوی ساخت خود باز می‌کند که در آن درک صحیحی از نقاط قوت و ضعف خود پیدا میکنیم که هم میتواند درسی برای امروز ما باشد و هم پندی برای آینده‌گان، دومی اینکه راهی برای تقویت اعتماد به نفس در هر یک از افراد جامعه تلقی میشود. در ادامه‌ی این گفتگو با سولاتی نظیر اینکه تاریخ چیست و چرا باید به مطالعه‌ی تاریخ بپردازیم؟ چرا اشغالگران کوردستان درصدد نابودی تمدن کوردستان هستند؟ تاریخ‌نگاری فارسی چیست؟ بعضی از کشورهای دنیا اعم از ژاپن، هند، ترکیه و ... اهمیت زیادی به تاریخ کشورشون میدهند، این اهمیت در حدیست که صدها فیلم تاریخی مرتبط با تاریخ کشورشون تولید کرده‌اند، دلیل ساخت این فیلم‌ها چیست؟ روبرو خواهیم شد که برای پاسخگویی به این سولات گفتگویی با شاهو حسینی، فعال سیاسی خواهیم داشت.

● آقای حسینی ممنون از اینکه دعوت ما را پذیرفتید ابتدا با این سوال مصاحبه را شروع میکنم که تاریخ چیست و چرا باید به مطالعه‌ی تاریخ بپردازیم؟

جواب به این سوال که تاریخ چیست اگرچه در نگاه اول بسیار ساده است، اما وقتی با دقت بیشتری به آن پرداخته می‌شود، پیچیده، دشوار و غامض می‌نماید. جواب به این سوال بدون تردید بستگی به افق ذهنی و آبخشور فکری هر کسی

دارد، از نگاه یک پوزیتویست با توجه به اهمیت ابژه‌ها و عینیات، می‌توان گفت که تاریخ ترتیب و توالی حوادث و رویدادهایی در گذشته می‌باشد، یعنی در واقع عناصر تاریخ در گذشته آن‌گونه که هستند اتفاق افتاده و ما آنها را نمایان می‌سازیم بدون هیچ نقشی. اما از نگاه یک تاریخ‌نگار که در تاریخ‌نگاری از روش تفسیری استفاده می‌کند، برخلاف تاریخ‌نگاری پوزیتویستی که حقیقت را عینی می‌داند، معتقد است که حقیقت ذهنی است، یعنی این باورها، گفتمانها و آبخشور ذهنی تاریخ‌نگار است که تاریخ را امروزه خلق می‌کند، به عبارتی دیگر از منظر تفسیری تاریخ به مثابه یک حقیقت در گذشته نیست، بلکه عناصر آن در امروزه تاریخ‌نگار گزینش کرده و به‌صورت رویدادها و توالی اتفاقات کنار یکدیگر قرار داده با هدفی خاص و به منظوری خاص.

به نظر من تاریخ به مثابه پدیده‌ای برساخته شامل: مجموعه‌ای از توالی اتفاقات، تحولات و دگرگونیهای گذشته است که امروز ساخته می‌شود و به آنها فرم داده می‌شود به مثابه یک روایت، به‌عبارتی دیگر تاریخ روایتی امروزی از گذشته است. اهمیت فهم تاریخ در این است که با فهم ظهور، گسترش و تدویم نهادی جامعه از گذشته تا به امروز، حال و آینده خود را بسازیم. در واقع اهمیت فهم تاریخ به خاطر اهمیت نقش و کارکرد تاریخ در امروز می‌باشد. از سوی دیگر تاریخ تصویری تاریخی از شکل‌بندی ملی به ما میدهد، در واقع با درک و فهم گذشته به چگونگی بروز ملیت به مثابه تصویری مشترک و کیفیت تصور ملی از خود دست می‌یابیم. به طور کلی می‌توان گفت که تاریخ امروزه هویت بخش است، در واقع عناصر تاریخی و بسط گفتمانی که تاریخ را

خلق می‌کند، در بردارنده نشانه‌هایی از ظهور نهادی خانواده، جامعه، سیاست، فرهنگ و دیگر مصادیق می‌باشد. همچنین در بردارنده چگونگی تکامل، تعامل و حفظ انسجام تا به امروز در خود دارد.

● به نظر شما چگونه می‌توانیم مفهوم "وطن خواهی" را به جای (زی‌دیده‌رستی) یعنی کسانی که رغبت بیشتری به شهر و منطقه‌ی خود دارند، در جامعه‌ی کوردستان نهادینه کرد؟

فهم جغرافیای زندگی به جای محل زیست به مثابه وطن مستلزم گفتمان‌سازی و نهادینه‌کردن، گفتمان ملی‌گرایی به‌مثابه ساختاری برآمده از ارتباط بین‌ذهنی میان سوژه‌کوردی در جامعه است، گفتمان به مثابه نهادی که محصول زیست آگاهانه، اختیاری و فعالانه سوژه‌کوردی و دربرگیرنده جهانی مفهومی و معنایی از محیط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که توسط سوژه‌کوردی مفصل‌بندی شده‌اند. در این گفتمان کوردستان به مثابه پادگفتمان مقوم، محرک و نگهدارنده وطن و وطن دوستی به مثابه هویت است. تلاش برای ظهور هویتی فراخرابی از فرد، اجتماع، سیاست و فرهنگ از کورد و کوردستان.

● چرا اشغالگران کوردستان درصدد نابودی تمدن کوردستان هستند؟

هویت اشغالگران کوردستان یک هویت جعلی و بی‌ریشه است، هویتی که از طریق جعل اصل و نسب تاریخ کوردها بنا نهاده شده، در واقع اشغالگران کوردستان همواره دو روند را همزمان به‌پیش می‌برند: اول از طریق هویت سازی جعلی برای خود و در پیش گرفتن نگاه شرق‌شناسانه در صدد تثبیت، تحمیل و هژمون کردن خود بر کوردها هستند و دوم از طریق هویت‌زدایی از کوردها و برساختن هویتی جعلی و تحمیل آن بر کوردها در جهت تثبیت و هژمونی خود بر کوردها. بنابراین طبیعی است که اشغالگران

کوردستان درصدد نابودی تاریخ و تمدن این ملت (کوردستان) باشند، زیرا از طریق آگاهی تاریخی و شناخت هویت تمدنی کوردی، فرد کورد بر هویت اصلی و اصل تاریخی خود آگاه گشته و به مبارزه با هویت جعلی تحمیلی پرداخته و خود را به مثابه یک حقیقت سوژکتیف به منصف ظهور می‌رساند، این روند آغاز اضمحلال و نابودی اشغالگران کوردستان است.

● تعریف شما از تاریخ‌نگاری فارسی چیست؟

اساسا تاریخ‌نگاری فارسی در ایران با دو مشخصه بارز قابل شناسایی است، اول امپریالیستی، یعنی ضعف نظامی، شکست‌های خفت‌بار نظامی و تلاش برای احیای نظامی و هژمونی نظامی محرک آن بوده، دوم شرق‌شناسانه است، یعنی در راستا و با هدف تثبیت هژمونی، سلطه و اقتدار خود بر دیگر ملیتهای ایران شکل‌گرفته است. خصلت امپریالیستی تنها یک پدیده عینی به صورت تهاجم نظامی و میلیتاریسم نیست، بلکه یک خصیصه ذهنی و ایدئولوژیک است در راستای اشغالگری به مثابه روندی با هدف ذهنیت‌زدایی از فرد کوردی، پیش‌گیری از ذهنیت کوردی زایی و هویت‌زایی مستقل کوردی و کوردستانی در ذهن فرد کوردی از یک سو و انباشت و تحمیل ذهنیت بیگانه در ذهن و اندیشه فرد کوردی از سوی دیگر می‌باشد.

● بعضی از کشورهای دنیا اعم از ژاپن، هند، ترکیه و ... اهمیت زیادی به تاریخ کشورشون میدهند، این اهمیت در حدیست که صدها فیلم تاریخی مرتبط با تاریخ کشورشون تولید کرده‌اند، به نظر شما دلیل ساخت این فیلم‌ها چیست؟

اساسا تاریخ معادل امروز و سازنده امروز است، تاریخ تصویری از نهادی شدن همزیستی، نقطه آغاز روند ساخت‌یابی هویتی و دست نامرئی بهم‌بافتن امروزی انسانها در دوران ساخت ملت است، گذشته اساس و پایه ملی‌گرایی و انسجام انسانها در دوران ساخت اجتماع مشترک، فرهنگ‌مشترک و زبان‌مشترک است. به هر میزان درک، فهم و تصورمان از گذشته شفاف‌تر، منسجم‌تر و دقیق‌تر باشد، انسجام، ساخت‌یابی و استحکامان امروز درون جامعه بهتر و خردمندانه‌تر خواهد بود. در دو حالت تلاش برای انسجام‌زایی و استحکام ساخت‌یابی ملی درون جوامع تاریخ‌گرایی از طریق تلاش برای گسترش تاریخ‌نگاری و نمایاندن تاریخ در رسانه‌های دیداری گسترش می‌یابد، اول درون جوامعی که ملی‌گرایی و ساخت‌یابی ملی با بحران و چالش روبه‌رو است، همانند ژاپن بعد از جنگ جهانی اول و پس از جنگ جهانی دوم، چین پس از جنگ جهانی دوم، کره پس از جنگ جهانی دوم، آلمان پس از دو جنگ جهانی، ترکیه پس از دو جنگ جهانی و دوران زمامداری اردوغان. دوم درون جوامعی که ملی‌گرایی در حال نشو و نماست، ملی‌گرایی در حال بروز و یا تولد مجدد است همچون کوردستان، کشورهای اروپای شرقی پس از جنگ سرد و سقوط بلوک کمونیستی و روسیه پسا شوروی.

● آقای حسینی ممنون از اینکه برای این مصاحبه وقت گذاشتید سپاسگزارم از شما دوستان گرمی در روزنامه کوردستان، مؤید و پایدار باشید.

نقدی بر جنبش ژینا و خیزش انقلابی (ژن، ژیان، ژازادی)



ساسان خاتونی

ژینا امینی دختری از دیار کوردستان که به همراه خانواده‌اش برای تعطیلات به تهران سفر کرده بودند، در ۲۲ شهریور ۱۴۰۱ در یکی از ایستگاه‌های مترو این شهر توسط پلیس امنیت اخلاقی مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد و دو روز بعد بر اثر شدت شکستگی جمجمه، دچار مرگ مغزی می‌شود.

قتل حکومتی ژینا که تقریباً نزدیک بود با سالروز ترور دکتر صادق شرفکندی، دبیرکل پیشین حزب دموکرات کوردستان ایران که در رستوران "میکونوس" شهر "برلین" پایتخت کشور آلمان، موجی از اعتراضات را در شهرهای کوردستان و علی‌الخصوص در سقز، شهر زادگاه ژینا به راه انداخت. خاکسپاری ژینا امینی با حضور جمعیت عظیمی از مردم سقز و شهرهای مجاور در آرامستان "آیچی" به گونه‌ای بود که تردد در محورهای مواصلاتی سقز با شهرستانهای اطراف مختل شد. زنان روسری هایشان را به آتش کشیدند و دوشادوش مردان با شعار «ژن، ژیان، ژازادی» و «کوردستان، کوردستان، گورستان فاشیستان» پیکر ژینا را تشییع کردند و بر روی مزارش نوشتند: "ژینا تو نمی‌میری و نامت رمز خواهد شد".

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران نیز با توجه به تجارب گذشته خود در عرصه‌ی سیاست، نقش مهمی در جهت دهی سیاسی و فکری مردم در کوردستان داشتند، در اعتراض به قتل حکومتی ژینا درخواست اعتصاب کردند. با توجه به نفوذ سیاسی و تشکیلاتی احزاب کوردستان، مردم در اکثر شهرستانهای استانهای ورمی (ارومیه)، سنه (سنندج)، کرمانشاه و ایلام با تعطیل کردن بازار و عدم حضور در سرکار یک اعتصاب سراسری را رقم زدند. همچنین از روز بعد مردم معترض به خیابانها آمدند در همان روزهای نخست چندین نفر کشته شدند. این خیزش انقلابی با محوریت شعار «ژن، ژیان، ژازادی» به سرعت به بسیاری از شهرها و مناطق ایران مخصوصاً تهران، بلوچستان و گیلان رسید. مردم یک صدا علیه شعار میدانند و تظاهرات می‌کردند. رژیم که به شدت احساس خطر کرده بود با شدیدترین شیوه‌ی ممکن به جنگ با مردم معترض پرداخت. چند شهر در کوردستان از جمله سنو (اشنویه)، بوکان، مه‌پاد و دیواندره به دست مردم افتاد و رژیم برای مهار معترضان از سلاحهای سنگین استفاده کرد اما کارساز نبود. مردم از همه‌ی اقشار از دانش آموزان و دانشجویان گرفته تا

معلمان و پزشکان، از اصناف و بازاریان گرفته تا ماموستایان دینی در کوردستان در اعتراضات شرکت کردند. در کوردستان شرایط بسیار متفاوت بود، تشییع پیکر جانباختگان با حضور هزاران نفر انجام میشد و سرودهای انقلابی سر داده میشد. در دیگر مناطق و اقلیم‌های مختلف هم مردم در حمایت از یکدیگر شعار میدادند. در تهران برای کل ایران شعار میدادند و برای اولین بار در تبریز با توجه به همه‌ی سیاست‌های دو رژیم قبلی و فعلی در زمینه‌ی نفرت پراکنی و تفرقه بین دو ملت همسایه کورد و تورک در حمایت از کوردستان به خیابان آمدند و شعار دادند که "کوردستان تنها نیست" و در دانشگاه کوردستان از تبریز گفتند. یک انقلاب فکری و معرفی در جریان بود و مردم کف خیابان همبستگی مثال زدنی را به نمایش گذاشتند. بلوچستان یکی دیگر از مناطقی بود که اعتراضات در آن بسیار گسترده پیش میرفت و مسجد مکی و علمای دینی آن خطه نقش مهمی در سازماندهی اعتراضات داشتند. گیلان نیز یکی دیگر از آن مناطق بود که شدت اعتراضات در آنجا بسیار زیاد بود. رژیم بصورت وحشیانه‌ای به سرکوب مردم پرداخت. استفاده از سلاح‌های سنگین نظیر دوشکا در جوانرود، رزمایش تانک در خیابانهای سنه (سنندج)، جمععی خونین زاهدان، کشتار کودکان در سراسر ایران باز هم نتوانست از شدت اعتراضات بکاهد. اتاق فکر رژیم سعی کرد با ایجاد یک جنگ برون مرزی اعتراضات را به حاشیه براند و به جامعه‌ی جهانی که کاملاً روی حوادث ایران تمرکز کرده بود نشان دهد که عامل خارجی باعث ناامنی‌ها در ایران است. در اولین گام مقرات احزاب کوردستان ایران مستقر در اقلیم کوردستان را هدف حملات موشکی قرار داد و شماری از پیشمرگان حزب دموکرات کوردستان ایران و حزب آزادی کوردستان به شهادت رسیدند اما احزاب کوردستان

وارد تله‌ی رژیم نشده و منظور تداوم جنبشی که مردم در کف خیابان آن را رهبری می‌کردند، از انجام اقدامات مسلحانه پرهیز کردند. همچنین رژیم با انجام یک مانور نظامی در مرز با آذربایجان و تهدید آن کشور سعی کرد جنگی را رقم بزند که ناکام ماند. سپس به تهدید کشور عربستان پرداخت. مرکز همکاری احزاب کوردستان پس از حملات موشکی سپاه تروریستی پاسداران به مقرهایشان چندین بار دیگر فراخوان اعتصاب دادند که با موفقیت در استانهای کوردستان به انجام رسید. با موفقیت انجام شدن اعتصابات نشان داد رابطه‌ی معناداری بین مردم و احزاب در کوردستان وجود دارد و حاوی پیامهایی به رژیم و اپوزیسیون ایرانی بود. نخست اینکه به رژیم نشان داد که در کوردستان فاقد مشروعیت سیاسی بوده و هست و دوم اینکه به اپوزیسیون ایرانی هم نشان داد که کوردستان دارای اراده‌ی سیاسی خود میباشد. از آنجایی که رژیم نتوانسته بود مانع از گسترش اعتراضات شود، راه دیگری را در پیش گرفت و آن هم نفوذ در بین اپوزیسیون و ایجاد گفتمان تفرقه‌آمیز میان جریان‌های سیاسی بود. اپوزیسیون خارج از کشور رژیم عمدتاً سه دسته میباشد. دسته‌ی اول، احزاب و گروههای ملل غیر فارس هستند که تقریباً همه‌ی آنها خواهان عدم تمرکز بوده و سیستم "فدرال" را برای آینده‌ی بعد از جمهوری اسلامی پیشنهاد میکنند و "کنگره‌ی ملیت‌های ایران فدرال" را تشکیل داده‌اند. دسته‌ی دوم، جریان‌هایی هستند که خود را سراسری می‌خوانند که اکثر از ملت فارس بوده، جمهوری خواه و معترف به خودمختاری ملل غیر فارس و در جبهه‌ی چپ قرار دارند. دسته‌ی سوم، عمدتاً از امنیتی‌های سابق رژیم هستند و فرزند دیکتاتور سابق آنان را رهبری میکند، که خواهان بازگشت سلطنت و دیکتاتوری پهلوی پدر و پسر میباشد و در جبهه‌ی راست افراطی قرار

دارند. تعدادی از اشخاص مستقل و گروههای دیگر نیز در این مدت تشکیل شده‌اند که بیشتر جمهوری‌خواه و خواهان سازش و گفت‌وگو ملی می‌باشند. عدم تشکیل ائتلافی در بین اپوزیسیون که جمع کثیری از ایده‌ها و گفتمانهای سیاسی را در برگیرد و به آدرس مشخصی برای طرف خارجی تبدیل شود باعث شد که جامعه‌ی جهانی همچنان با رژیم ایران در تعامل باشد. احزاب و گروههای ملل غیر فارس نتوانستند به یک اجماع گفتمانی و تبدیل آن به یک بدیل برسند و جریان‌های به اصطلاح سراسری هم نتوانستند به آنها نزدیک شوند و این دو دسته نتوانستند یک پلتفرم مشترک مبارزاتی را برای گذار از جمهوری اسلامی ارائه دهند. همچنین به علت عدم وجود یک رسانه‌ی سراسری مستقل که همه‌ی جوانب خیزش انقلابی "ژن، ژیان، ژازادی" را چه در کف خیابانهای ایران و در دیدگاههای سیاسی پوشش دهد و اینکه تفاوت در شیوه مبارزات مردم نیز باعث شد بعد از چند ماه جنبش روند کندی به خود بگیرد. در این میان بود که دسته‌ی خواهان بازگشت سلطنت به میان آمدند و گفتمان تفرقه افکنانه در پیش گرفتند و رسانه‌های فارسی زبان با پوشش کمتر حوادث داخل کشور و تمرکز بیشتر بر جریان سلطنت طلبان به میدان آمدند، در حالیکه در کوردستان و بلوچستان شعارهایی همچون «مرگ بر ستمگر، چ شاه باشه چ رهبر» و «نه سلطنت، نه رهبری، دموکراسی و برابری» سر داده میشد توانستند بر مسیر اعتراضات اثر بگذارند و به پایه میکروفون فرزند دیکتاتور سابق و حلقه‌ی دور ایشان تبدیل شدند و آنها نیز با به میان آوردن مباحثی همچون حفظ "تمامیت‌ارزی" و "تجزیه‌طلبی" همه‌ی احزاب و گروههای ملل غیر فارس را خائن به وطن، تروریست و تجزیه‌طلب میخواندند. کم کم اعضا و حامیان گروههای اپوزیسیون سرگرم درگیری‌های

فیزیکی در تظاهرات‌های خارج از کشور و درگیری‌های لفظی در فضای مجازی شدند. از سویی دیگر فرزند دیکتاتور سابق به منظور مشروعیت بخشیدن به خود و جریان سلطنت‌طلب، تعدادی را در یکی از دانشگاههای آمریکا گرد خود آورد که به جمع «جرج تاون» شهرت یافتند و متأسفانه یک جریان کوردی نیز با او همراه شد که بعدها تبعات سنگینی برای آن حزب و جنبش کوردستان به همراه داشت. جمع جرج تاون بیشتر از سلبی‌تی‌های فضای مجازی تشکیل بودند و یک منشور برای آینده ایران منتشر کردند. عدم درک درست از واقعیت‌های جامعه و خواسته‌های ملل غیر فارس و حوادث و رخدادهایی که در صد سال اخیر متحمل این ملت‌ها شده بود در بندهای آن منشور به وضوح نمایان بود. در عین حال جمع "جرج تاون" فاقد یک گفتمانی با محتوای سیاسی بود که فقط در یک مقطع زمانی کوتاه توانست دوام بیاورد و تنها نکته‌ی مثبتی که داشت این بود پرده از چهره‌ی واقعی برخی از افراد و گروههایی که خود را اپوزیسیون تعریف میکردند برداشت و آن جریان کوردی هم که با آنان همراه شد دچار انشعاب و جنگ درون حزبی شد و به تبع آن مرکز همکاری احزاب کوردستان نیز که توانسته بود به عنوان مرجع سیاسی مردم کوردستان عمل کند، عملاً غیر فعال شد. در جریان جنبش ژینا و خیزش انقلابی "ژن، ژیان، ژازادی" احزاب بزرگ و ریشه‌دار با جایگاه و پایگاه در بین توده‌های مردم همچون حزب دموکرات کوردستان ایران میتوانست با قرار دادن بیشترین گروههای اپوزیسیون در کنار هم رهبری اپوزیسیون در این مقطع را بدست بگیرد که این امر هم محقق نشد. با کندتر شدن روند جنبش، دستگاه قضایی رژیم به منظور انتقام از مردم احکام سنگین حبس برای معترضان بازداشت شده را صادر و اجرای احکام اعدام را شدت بخشید.

کوتاه قامتی با آتش عقبه فراوان



ایوب شهباهی راد

عامل و مولد بسیاری از بحران و تنشهای منطقه‌ای و جهانی که بر بستر مسیر "هلال شیعه - خط مقاومت" دکترین سیاسی و استراتژی خود را بنا کرده بود، نه تنها دچار عقب گردی بی بازگشت شده، بلکه در حصار دایره‌ای مرز فلاکتهای خود محبوس مانده است. چالش کنونی منطقه و جهان با رژیم تروریست و بحرانی به نام جمهوری اسلامی، محصول دو فاکتور ضعف حداقل واکنشی رژیمهای منطقه و سیاست مماشات و منفعت طلبانه غرب در قبال چنین رژیمی است.

پتانسیلهای قدرت (مشروعیت سیاسی و اجتماعی - اقتصادی و نظامی) این رژیم هیچگاه در حد این حجم از ضعف منطقه‌ای و مماشات طلبی غرب نبوده و نیستند. همچنانکه بعد از بیش چهار دهه آمریکا اکنون متوجه شده رژیم چه برخورد تحقیرآمیزی با سفارت این کشور در ایران کرده است.

رژیمی که پایه‌های سلطه خویش را نه بر اساس خواست و گرایش عمومی بلکه بر مصادره آرمانهای یک انقلاب حقیقی بنا

نهاد، چگونه می‌توانست بدون مشروعیت داخلی در صحنه منطقه‌ای و جهانی عرض اندام کند و برای خود مشروعیت بین المللی کسب نماید. اما این دو الیزم سیاسی شرم‌گونه - منفعت طلبانه این کشورها بود که رژیم را به صحنه متعارف جهانی کشاند.

با مروری کوتاه به تاریخ چهار دهه‌ای این رژیم، نمونه‌های بارزی از حمایت همین کشورها از این رژیم در بزنگاههای سرنوشت ساز مبارزات ملت‌های ایران را شاهدیم. حمایت‌هایی با ظاهری ریال پلتیک مرتج و عاری از هر نوع محتوای حقوق و ارزشهای انسانی.

بعد از جنگ ۷ اکتبر، اگرچه جهان هنوز سیاست تا حدی مماشات جویانه در قبال این رژیم اعمال می‌کند، اما با عریانتر شدن چهره تروریستی رژیم، دیگر حداقل برای افکار عمومی جهانی چنین جنایتکاری

قابل قبول نیست. همان دیدگاهی که تاثیر بسزایی در تغییر قدرت همه‌جانبه در آمریکا داشت. این نگاه نو حاوی دو پیام اصلی است:

یک: فشار حداکثری بر دولت‌های حاکم برای تغییر رویه خود در قبال این رژیم. دوم: شروع شمارش معکوس برای انزوا، تحریم، خروج از صحنه بین المللی و جنگی محتمل برای رژیم.

سر دادن شعارهای عوام گرایانه و نمایش قدرت بر بنیانهای ایدئولوژیکی توهم‌زایی همچون "ولایت مداری"، "جهاد گرای" و "محور مقاومت"، بیش از آنکه بیان یک قدرت حقیقی باشند، تصویری بزرگتر از یک ترس کشنده برای این رژیم هستند.

کدام ترسهای کشنده و آیا برآستی ترس حقیقی رژیم از چیست؟ جمع پازل بحرانهای فلاکت بار جامعه

ایران، که این کشور را به ورطه ورشکستگی هم‌جانبه رسانده‌اند، دیگر نه جایی برای تعاملات اپوزیسیون نماهای شوونیست باقی گذاشته و نه سیاست مماشات و شرم‌گونه‌ای غرب و منطقه. آنگاه که مردم ایران برای شکستهای پی در پی محور "مقاومت"، هجوم هوایی اسرائیل و پیروزی رئیس جمهور یک کشور دیگر، یکپارچه اظهار خوشحالی می‌کنند، اثباتی‌ست فاشگویانه مبنی بر اینکه عامل اصلی وضعیت فلاکت بار جامعه تنها رژیم حاکم است.

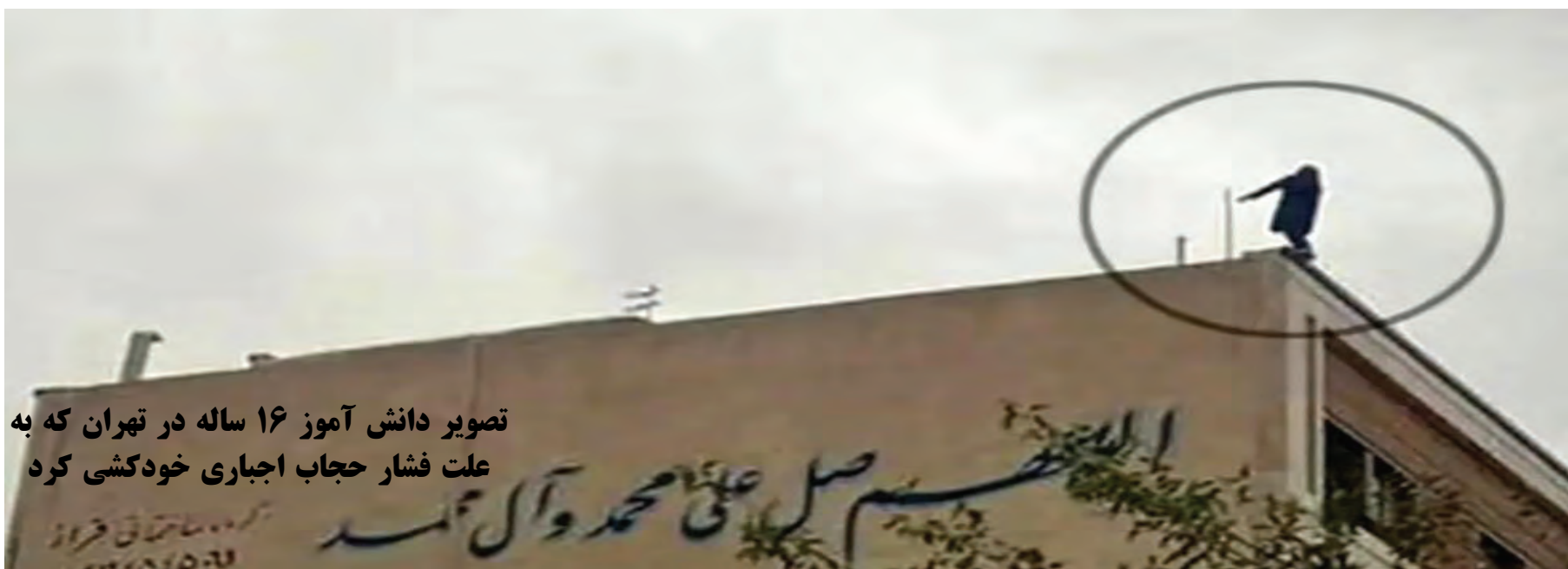
هجوم روزافزون ترسهای حاکم بر این رژیم کوتاه قد، دیگر فرصت اولویت بندی و واکنش عقلانی را از وی گرفته است. اشاره به سخنان هذیان گونه خامنه‌ای در مورد مدیریت فضای سایبری، حجاب زنان و محور مقاومت شکست خورده‌اش.

جنگ روانی و توهم پراکنی برگرفته از تاکتیک دشمنان فرضی، همیشه بخشی

جدایی ناپذیر از برنامه و رفتار دستگاه رسانه‌ای و امنیتی رژیم نسبت به جامعه ایران و بخصوص جنبشهای حق طلبانه بوده است. سیاست دور کردن ترس از خود و به خارج کشاندن هرنوع مشکلی. اما ریشه وحشت اصلی رژیم را بایستی در اراده نستوه مبارزین کرد و دیگر ملت‌ها، و فریاد کف خیابان انقلاب هرروزه ژینا جست. آنگاه که "وعده‌های صادق 1 و 2" هیچ ثمری نداشت و هتاف کشیدنهای "وعده صادق 3" به تهدید به موشکباران مقرات بی پناه احزاب سیاسی کردستان ختم شده.

این جنبش و مبارزانش، موشکهای اسرائیلی نیستند که تنها مراکز نظامی را ویران کنند، موج خروشان این جنبش مردمی، "نیشتمان" را از هر نوع بقایای این رژیم تروریست پاک می‌کنند.

افزایش نرخ خودکشی در میان زنان ایران؛ پیامد سرکوب سیستماتیک



تصویر دانش آموز ۱۶ ساله در تهران که به علت فشار حجاب اجباری خودکشی کرد



شهریار طهماسبی

بحران افزایش نرخ خودکشی در میان زنان ایرانی، پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است که ریشه در سیاست‌های محدودکننده و فشارهای اجتماعی-فرهنگی دارد. آمارهای موجود نشان می‌دهد که ایران یکی از بالاترین نرخ‌های خودکشی را در منطقه خاورمیانه دارد. این وضعیت، پیامد مستقیم سیاست‌های سرکوبگرانه علیه زنان، از جمله تحمیل حجاب اجباری و محدودیت‌های اجتماعی متعدد است. فشارهای روانی ناشی از این محدودیت‌ها، تأثیرات عمیقی بر سلامت روان زنان گذاشته و در مواردی منجر به تصمیمات غیرقابل بازگشت شده است.

نمونه‌های متعددی از پیامدهای این فشارها وجود دارد که مورد آرزو خاوری یکی از تکان‌دهنده‌ترین آنهاست. این دانش‌آموز 16 ساله که به دلیل رفتارهای

طبیعی نوجوانانه مورد آزار قرار گرفت، نماد روشنی از قربانیان این سیستم سرکوب است. محرومیت از حضور در کلاس درس و فشارهای مستمر روانی، نه تنها حق تحصیل را از او سلب کرد، بلکه در نهایت منجر به تصمیم دردناک او برای پایان دادن به زندگی‌اش شد. این مورد همچنین نشان‌دهنده تبعیض مضاعفی است که اقلیت‌های قومی و مهاجران با آن مواجه هستند.

سیستم کنترل اجتماعی از روش‌های پیچیده‌ای برای مقابله با مخالفان استفاده می‌کند که یکی از مهم‌ترین آنها "بیمار انگاری" است. این رویکرد که به طور خاص علیه زنان معترض به حجاب اجباری به

کار گرفته می‌شود، شامل معرفی مخالفان به عنوان افراد دارای اختلالات روانی، انتقال اجباری به مراکز روانی و اجبار به اعترافات تلویزیونی است. این روش‌ها نه تنها آسیب‌های روانی جدی به افراد وارد می‌کند، بلکه اعتبار اجتماعی و هویت فردی آنها را نیز هدف قرار می‌دهد.

تناقض چشمگیری در وضعیت زنان ایران مشاهده می‌شود. در حالی که آنها 70 درصد دانشجویان رشته‌های علمی و فنی را تشکیل می‌دهند، با نرخ بیکاری دو برابری نسبت به مردان مواجه هستند. این شکاف عمیق میان توانمندی‌های تحصیلی و فرصت‌های شغلی، نشان‌دهنده وجود موانع ساختاری در مسیر پیشرفت

زنان است. این وضعیت نه تنها منجر به هدر رفتن سرمایه‌های انسانی می‌شود، بلکه فشار روانی مضاعفی را نیز بر زنان تحصیل‌کرده وارد می‌کند.

پیامدهای روانی و اجتماعی این محدودیت‌ها بسیار گسترده و عمیق است. افزایش افسردگی، اضطراب گسترده و اختلالات روحی فراگیر در میان زنان به وضوح قابل مشاهده است. افزایش نرخ خودکشی، به‌ویژه در میان زنان و دگرباشان جنسی، یکی از تلخ‌ترین پیامدهای این وضعیت است. عدم دسترسی به خدمات مشاوره‌ای و روان‌درمانی مناسب، محدودیت‌های پژوهشی در این زمینه، و انگ‌زنی اجتماعی، مشکلات موجود را تشدید می‌کند.

محدودیت‌های پژوهشی و عدم امکان بررسی دقیق این مسائل، شناخت کامل ابعاد این بحران را دشوار کرده است. با این حال، شواهد موجود نشان می‌دهد که این بحران نیازمند توجه جدی و اقدامات اساسی است. عدم رسیدگی به این وضعیت می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری برای جامعه داشته باشد. ضروری است که سیاست‌گذاران و مسئولان اجتماعی، با درک عمیق از ابعاد این مسئله، در جهت رفع محدودیت‌ها و ایجاد فضای اجتماعی سالم‌تر گام بردارند.

باز ترامپ آمد

در رسانه‌های همه کشورهای دنیا جزء صدر خبرها منعکس می‌شوند. کشورهای که با آمریکا در ارتباط هستند یا منفاع آنها تحت تاثیر سیاستهای آمریکا هستند برخی از برنامه‌ها یا ستراتیژی و سیاست خود را براساس نگرش کاندید که شانس بیشتر دارد یا برنده انتخابات است تعیین می‌کنند.

با وجود همه‌ی این واقعیتها که از ابرقدرتی آمریکا و تاثیر آن بر جهان ناشی می‌شود ولی کمتر کشوری به اندازه‌ی ایران و حکومت جمهوری اسلامی متاثر این انتخابات است. جمهوری اسلامی که با شعار "نه شرقی، نه غربی" به سرکار آمد و از سیاستهای شاهنشاهی که به خدمتکار آمریکا به عنوان شیطان بزرگ نقد میکرد. امروز از طرفی ایران را به شرق فروخته و از طرف دیگر ماندن و نماندن خود را به تصمیمات رئیس جمهوری آمریکا بسته می‌دانند. این تابلو که نشان از ضعف بیش

میلیارد دلار و هنرنمای ژنرال تروریستشان قاسم سلیمانی ساخته بودند، قربانی قاتل همین ژنرال خواهند کرد تا اینکه شاید بتوانند یک سال بیشتر به عمر حکومتشان بیفزایند.

آنهای که مخالفین خود را مزدور می‌دانند این چنین سرنوشت کشور را همیشه در جامی به کشورهای بیگانه تقدیم کردند و تنها با سرکوب داخلی به زندگی دیکتاتوران خود توانسته‌اند بر سر قدرت بمانند و در آخر هم سرنگون میشوند و در زباله‌دانی تاریخ جای برای همیشه برای خود درست میکنند. امروز رهبر جمهوری اسلامی بیش از هر وقتی دیگری مشغول این است که چگونه بتواند قاتل قاسم سلیمانی را راضی کند که از فشار بیش از حد بگذرد و در حق این رژیم جنایتکار لطفی بکند و در قبال هرچه می‌خواهد ایامی به عمر این رژیم بیفزاید. از آن طرف رئیس جمهوری تاجر املاک که سیاست

را عرصه دیگر تجارت و دادوستد می‌بیند و آماده است برای یک عکس متفاوت هر چیزی دیگری را بر میز معامله بگذارد با فارسهای حکمران که در فروختن کشور تبحری خاص دارند دست بدهد. اسکناس این معامله‌ی دو طرفه، که یکی خریدار معروفی است و دیگری فروشنده همیشه بازنده، عمر یک دیکتاتوری است که هر لحظه جان و مال یک یا صدها و هزاران انسان در ایران می‌گیرد.

و اینجاست که باید ملت‌های ساکن ایران و مخصوصا کوردهای همیشه آزادیخواه و آزاداندیش که برای آزادی در تعیین سرنوشت خود مبارزه میکنند، به میدان بیایند و سرنوشت خود را از دست این داد و ستدگران رها نکنند و به دست بگیرند تا جان و مال و از همه مهمتر آزادی آنها اسکناس معامله دیکتاتورها و سیاسیون تاجر نباشد.



البرز روئین تن

شاید کمتر انتخاباتی در دنیا به اندازه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا برای دیگر کشورها هم مهم باشد. این انتخابات نه تنها برای دوستان آمریکا بلکه برای دشمنان آن نیز بسیار مورد توجه است. نتایج و حتی وقایع روزانه این انتخابات

زنان، پیشاهنگان مقاومت و مبارزه در کوردستان



رضا دانشجو

"فرائتس فانون" نویسنده انقلابی مشهور در کتاب "دوزخیان در جهنم" از نقش بی بدیل زنان در انقلاب الجزایر و رسیدگی به آزادی می‌نویسد. او نقش زنان را بسیار حیاتی و تعیین کننده می‌داند. پالوئو فریو فیلسوف برزیلی از اهمیت آموزش برای زنان و نقش آنها در مبارزه می‌نویسد.

زنان در کوردستان به طور عام و در شرق بطور خاص در مبارزه علیه استبداد و رسیدن به آزادی همواره نقشی تعیین کننده و حیاتی داشته و دارند. صرف نظر از بسیاری از مشکلات و موانع موجود در سر راه آنها، زنان در کوردستان در بسیاری از زمینه‌ها توانستند نقشی تعیین کننده داشته باشند. این نقش را می‌توان در چند بخش مشخص دسته بندی کرد؛

نبرد مسلحانه علیه اشغالگران از آغاز فاز مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی، زنان در شرق کوردستان لباس رزم پوشیده و در قامت پیشمرگه در کنار مردان به دفاع از کیان و هویت کوردی خویش پرداختند. این نقش تعیین کننده زنان در مبارزه علیه تاریکی و استبداد در تمامی سال‌های جنگ مسلحانه علیه اشغالگران رابه وضوح می‌توان در شرق کوردستان دید. چه پیشمرگه های زن رشیدی که در این لباس مقدس زخمی یا شهید شدند و درس ایثار و مقاومت به هموعان خود دادند.

شاید بتوان از مبارزه شجاعانه زنان در غرب کوردستان در مبارزه علیه سپاهیان

زن در این پروسه آفرینندگی دانست . جایی که زنان کورد فرسنگ ها دور از نقش تعریف شده زن توسط یک جامعه سنتی ترسیده و وحشت زده از نیروهای سرکوبگر، با بازتعریف نقش زن در بلندگی یک جامعه ، جانی تازه ای به مبارزه علیه دیکتاتوری ولایت فقیه بخشیدند. زنان بی گمان مهم ترین عنصر و تعیین کننده ترین در روند انقلاب ژینا بودند.

انقلاب زن، زندگی، آزادی نشانگر نقش بی نظیر زنان در تحولات اجتماعی در جامعه کوردستان است. اهمیت این موضوع در جغرافیایی به نام خاورمیانه قابل بحث است که زنان سال‌ها زیر تفکر مردسالار جامعه محکوم به سرکوب شدن بوده و همیشه در حاشیه بوده اند. در چنین شرایطی، زنان کورد پیش قراول و پیشاهنگ مبارزه علیه دیکتاتوری بوده اند مبارزات دامنه دار زنان کورد برای رسیدن به آزادی و دموکراسی چه در قالب فعالیت های اجتماعی و چه در زمینه های سیاسی بیانگر نقش تعیین کننده زن و نگاه مترقیانه کورد به زنان است، هرچند نباید

این موضوع باعث نادیده گرفتن بعضی از معضلات اجتماعی مرتبط به زنان گردد و حل این مشکلات به فراموشی سپرده شود اما باید این پرچمداری و پیشاهنگی زنان در جامعه برجسته و مورد تاکید قرار گیرد

سالهاست در زندان های جمهوری اسلامی تحت سخت ترین شرایط در حال مبارزه است بی گمان یکی از نمادهای این مبارزه مدنی است . در کنار او می توان دهها مبارز و فعال سیاسی کورد دیگر محبوس در زندان های رژیم جمهوری اسلامی را نام برد. صدور حکم اعدام علیه پخش عزیزی و وریشه محمدی را می توان جدیدترین احکام ظالمانه علیه زنان انقلابی و تسلیم ناپذیر کورد دانست. زنانی قهرمانی که بدون ترس از دیکتاتوری و رژیم سفاک جمهوری اسلامی، آگاهانه در مسیر مبارزه برای احقاق حقوق زن در جامعه ای سنتی و ترسیده از خشم ضحاک زمان قدم برداشتند. روحیه مبارزه این زنان مبارز و انقلابی در شرق کوردستان را می توان نمونه ای بی نظیر از تلاش زنان آزادیخواه برای دستیابی به دموکراسی نه تنها در ایران و خاورمیانه بلکه در جهان توصیف کرد.

سالهاست در زندان های جمهوری اسلامی تحت سخت ترین شرایط در حال مبارزه است بی گمان یکی از نمادهای این مبارزه مدنی است . در کنار او می توان دهها مبارز و فعال سیاسی کورد دیگر محبوس در زندان های رژیم جمهوری اسلامی را نام برد. صدور حکم اعدام علیه پخش عزیزی و وریشه محمدی را می توان جدیدترین احکام ظالمانه علیه زنان انقلابی و تسلیم ناپذیر کورد دانست. زنانی قهرمانی که بدون ترس از دیکتاتوری و رژیم سفاک جمهوری اسلامی، آگاهانه در مسیر مبارزه برای احقاق حقوق زن در جامعه ای سنتی و ترسیده از خشم ضحاک زمان قدم برداشتند. روحیه مبارزه این زنان مبارز و انقلابی در شرق کوردستان را می توان نمونه ای بی نظیر از تلاش زنان آزادیخواه برای دستیابی به دموکراسی نه تنها در ایران و خاورمیانه بلکه در جهان توصیف کرد.

انقلاب زن، زندگی ، آزادی
واژه " نافرته" در زبان کوردی از واژه " نافراندن" می آید، زن در این خوانش نماد آفرینش و خلق کردن است اوست که سرچشمه تحولات و اتفاق جدید است اوست که می تواند منشا تحولات و اتفاقات جدید باشد. اتفاقات انقلاب زن ، زندگی ، آزادی را می توان آغاز بازخوانش نقش

های خستگی ناپذیرش در حفظ زبان مادری بارها و بارها توسط رژیم جمهوری اسلامی احضار و به زندان و تحمل مجازات های مختلف محکوم شد، اما هرگز از مسیر شکوهمند مبارزه اش ذره ای عقب ننشست و آگاهانه این راه پرافتخار را ادامه داد.

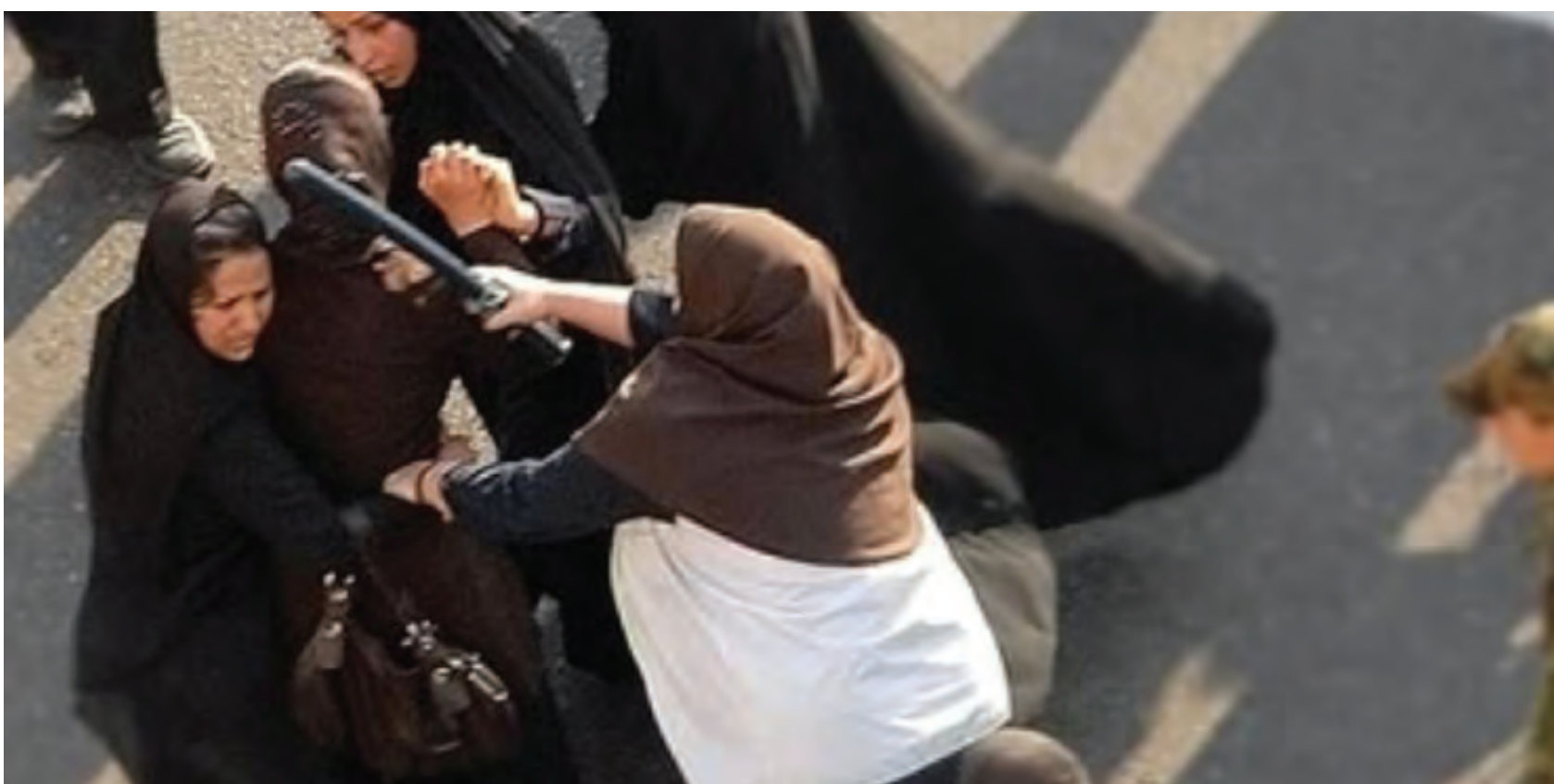
مبارزه مدنی علیه دیکتاتوری
زنان کورد بدون تردید پیشرو مبارزه مدنی علیه دیکتاتورها و اشغالگران کوردستان بوده اند. آنها که بدون ترس از دیکتاتورها و رژیم های سرکوبگر منطقه آگاهانه راه پر خطر مبارزه را انتخاب کرده اند. شاید بتوان از " لیلانا" سیاستمدار کهنه کار کورد در شمال کوردستان به عنوان یکی از زنان پیشروی کورد در عرصه مبارزه علیه رژیم های مستبد منطقه یاد داد، کسی که تمانی عمرش در مبارزه علیه اشغالگران و تلاش برای احقاق حقوق کوردها صرف کرد و در این راه بارها به زندان و حبس محکوم شد. در شرق کوردستان و بویژه در سال‌های اخیر زنان نقشی تعیین کننده ای در پیشبرد مبارزه علیه استبداد و اشغالگران داشته و دارند. دهها حکم غیر انسانی اعدام و حبس های طولانی مدت را می توان پیامد همین مبارزه خستگی ناپذیر زنان عنوان کرد.

زینب جلالیان زندانی سیاسی کورد که

تاریکی داعش به عنوان نقطه عطفی در تاریخ مبارزات زنان کورد علیه استبداد و تاریکی نام برد. جایی که زنان کورد با خلق حماسه هایی بی بدیل دنیا را حیرت زده کرده و توانستند برسپاهیان تاریکی پیروز شوند.

تلاش برای حفظ زبان و فرهنگ کوردی بی گمان تلاش برای حفظ فرهنگ و زبان کوردی را می توان یکی از مهم ترین عرصه های مبارزاتی در کوردستان دانست درست وقتی اشغالگران کوردستان سالها طی یک فرایند برنامه ریزی شده سعی در آسمیلاسیون و نابودی فرهنگ کوردی داشته و از همه ابزارها در این مسیر استفاده کردند از تغییر بافت جمعیتی شهرهای کوردستان تا تلاش در جهت نابودی زبان کوردی. اما آنچه ستودنی و قابل احترام است تلاش شیرزنان کورد در این جنبه بسیار حساس و حیاتی مبارزه علیه اشغالگران است. ناگفته پیداست زبان به عنوان مهم ترین مولفه زنده و پویا بودن یک فرهنگ وقتی فراموش شود مشکلات بسیاری را در پی خواهد داشت. زنان کورد بویژه در شرق کوردستان تلاش بسیاری در حفظ و اشاعه زبان کوردی داشته اند. در میان باید گفت نام زهرا محمدی به عنوان یکی از زنان پیشرو و تسلیم ناپذیر در این عرصه می درخشد و تا همیشه پیداست. کسی که صرفا به جهت تلاش

سرکوب زنان و به ویژه زنان کورد در ایران



مانیا کاکه‌مه‌می

جایگاه و نقش زن در خانواده و جامعه:

مروری کوتاه بر تاریخ بشر، نشانگر آن است که توسعه تمدن، در واقع با تأمین نیازهای اساسی انسان از بسیاری جهات، زندگی را راحت‌تر کرده است، اما این امر، پیامدهای دیگری نیز به همراه داشته است، مدنیت، مردم را به طور فزاینده‌ای مجبور به نقش‌های ثابت و محدود کردن آزادی کرده است. به ویژه زنان دوچندان تحت تأثیر بار منفی این پیشرفت قرار گرفتند - آنها اغلب هم در خانواده و هم در جامعه، مورد استثمار قرار می‌گرفتند و به نقش خود به عنوان «کالاهای مفید» تقلیل می‌یافتند. ارزش‌های شخصی، خواسته‌ها و نیازهای روحی فرد در پس‌زمینه قرار گرفتند.

سرکوب زنان در ایران:

ویژگی تاریخ ایران، تقابل سنت و مدرنیته، آزادی و سرکوب است، با این حال از زمان روی کار آمدن رژیم آخوندها، زندگی مردم، به ویژه زنان، به طور فزاینده‌ای توسط قوانین محدودکننده و ظلم وحشیانه، تحت تأثیر قرار گرفته است. این سیستم بر اساس اصول جزمی ساخته شده است که زندگی زنان را به شدت محدود و تنظیم می‌کند و آنها را هدف یک دستگاه اقتدارگرایی سرکوبگر قرار می‌دهد که کرامت، آزادی و هویت آنها را تهدید می‌کند. زنان امروز در ایران، از تبعیض و ظلمی رنج می‌برند که عمیقاً ریشه در قوانین شرعی دارد و این روند تقریباً در همه جنبه‌های زندگی آنها - از پوشش آنها گرفته تا حقوق اولیه انسانی - مشهود است.

حجاب به عنوان نماد کنترل:

تحت حکومت آخوندها، قانون حجاب است که به طرز وحشیانه‌ای زندگی زنان را تنظیم می‌کند. ماده ۶۲۸ قانون مجازات اسلامی برای رفع حجاب، شلاق، حبس و جزای نقدی پیش‌بینی کرده است و هرگونه تخلف می‌تواند منجر به شکنجه و حتی مرگ شود. همین

در پشت پرده‌ی شریعت، زنان توسط دولت به کالایی تبدیل میشوند که از نظر اقتصادی و اجتماعی مورد استثمار قرار می‌گیرند. - قانونی کردن صیغه و تحقیر زنان به کالا در خدمت قدرتمندان، این دیدگاه، زنان را تحقیر می‌کند، به جایگاه مادری و به عنوان بخشی اساسی از جامعه بی‌احترامی می‌شود و کرامت انسانی را عمیقاً زیر پا می‌گذارد. سخن فروغ فرخزاد بیانگر رسای این وضعیت دهشتناک است: «این انصاف نیست که یک بار به دنیا بیایی و چند بار بمیری...!»

اعمال تبعیض علیه زنان کورد و محرومیت آنان از حقوق اولیه انسانی:

این وضعیت به ویژه برای زنان کورد در ایران، تهدید کننده است. آنها علاوه بر تبعیض جنسیتی، از آسیب‌های مذهبی و قومی رنج می‌برند. به عنوان زنان سنی در رژیم عمدتاً شیعه، آنها با تبعیض مضاعف روبرو هستند. حاکمان افراطی ایران قوانینی را تصویب کرده‌اند که حقوق و آزادی‌های کوردها از جمله حق حفظ زبان و فرهنگ آنها را به شدت محدود می‌کند. قوانین نژادپرستی قومی و مذهبی این حکومت، زنان کورد را در موقعیتی نامطمئن قرار می‌دهد که در آن آنها می‌توانند فرهنگ و هویت خود را تحت تهدید دائمی خشونت و آزار و اذیت، باز یابند. این زنان هستند که بیشترین بار سرکوب و خشونت را به دوش می‌کشند و اغلب قربانی میشوند و مورد تحقیر، آزار و اذیت قرار می‌گیرند.

نقش شرع و فقهای مستبد در ایران:

رساست:

من در مورد سیستمی صحبت می‌کنم که مردم را به زندان می‌اندازد، آنها را شکنجه می‌کند و آزادی آنها را سلب میکند تا فقط قدرت و کنترل خود را تضمین کند. زنانی که در رژیم دیکتاتوری با یک ایدئولوژی افراطی و زن ستیزانه روبرو هستند، به ویژه آسیب پذیر هستند. صدای آنها خفه می‌شود، هویت و حقوق آنها سلب می‌شود، در حالی که آنها باید با تهدید مداوم خشونت، سوء استفاده و تبعیض زندگی کنند. من کشوری را توصیف می‌کنم که در آن زنان، با اندیشه‌های فاسد و صدها ساله‌ای مبارزه می‌کنند، که آزادی و کرامت آنها را در جامعه زیر سوال می‌برد، آنها قربانیان نظامی هستند که حقوق و انسانیت آنها را صرفاً برای تعقیب اهداف پلید خود، انکار می‌کند. با وجود این همه ظلم، ما یک حقیقت ریشه‌دار را در کلام خود داریم: زنان کسانی هستند که کشور را با قدرت و تعهد خستگی‌ناپذیر خود زنده نگه می‌دارند - آنها ستون‌هایی هستند که آن را گرم و زنده نگه می‌دارند، حتی زمانی که سرگذشت و سرنوشت فردی آنان اغلب در سایه قرار می‌گیرد. این وضعیت، یک فریاد آشکار علیه نظام مبتنی بر ظلم و نابرابری است. فراخوان من و شما برای به رسمیت شناختن و عدالت برای زنانی است که تحت چنین رژیم ستمگری رنج می‌برند، فراخوانی است به جهان، برای شناخت و مبارزه با این بی‌عدالتی. زنان نه تنها حق دارند آزادانه زندگی کنند، بلکه نیروی کلیدی هستند که می‌توانند تغییر ایجاد کنند - حتی در سیستمی که آنها را سرکوب می‌کند. جنبش زن، ژبان، نژادی - زن، زندگی، آزادی همچنان زنده و پویاست

این، روحانیون و پیشوایان دینی هستند که با فتوای خود نحوه زندگی مردم را تعیین می‌کنند. این فتواها اغلب خودسرانه و فراتر از چارچوب قانونی دولت هستند. اصولگرایان که نظام حقوقی ایران را شکل می‌دهند، خشونت را وسیله‌ای مشروع برای اجرای ایده‌های نظم و اخلاق خود می‌دانند. سنگسار، شلاق و اعدام در ملاء عام، واقعیتی غم‌انگیز است و نشان دهنده ایدئولوژی غیرانسانی است که رژیم آخوندها سرلوحه‌ی دستگاه قدرت خود قرار می‌دهند، حتی آزادی زندانیان نیز اغلب در شرایطی اتفاق می‌افتد که افراد آسیب دیده را به تباهی روانی می‌کشاند یا آنها را وادار به خودکشی می‌کند.

مبارزه برای حفظ کرامت و رفع تبعیض:

زنان در ایران، برای دستیابی به حقوق خود و برخورداری از حق زندگی خود، مبارزه می‌کنند. مبارزه برای حصول حقوق برابر و مبارزه علیه تحقیر زنان از سوی رژیم آخوندی، این جنبش‌ها توسط خود زنان در خیابان‌ها و در رسانه‌ها و از طریق آنها رهبری می‌شود. بسیاری از آنها، جان و امنیت خود را برای مبارزه با آزار و اذیت و محرومیتی که هر روز با آن روبرو می‌شوند به خطر می‌اندازند. اما ساختارهای قدرت رژیم هیچ «انحرافی» را تحمل نمی‌کنند. مدافعان حقوق بشر که از آزادی و عدالت دفاع می‌کنند با مجازات‌های سختی روبرو هستند. شلاق، حبس و حتی اعدام، پاسخ نظام به ندای آزادی و کرامت انسانی است.

امیدی برای تغییر، صدای ما